**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه**91 **– 15/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه بحث:

در جلسه گذشته اقوال مفسرین و ادله آنها در رابطه با معنای «**فاحشه مبیّنه**» توضیح داده شد. همچنین آیات و روایاتی که در تبیین معنای «**فاحشه مبیّنه**» نقش داشتند، بررسی گردید. استاد معظم در این جلسه جمع عرفی بین روایات را ناصحیح خواهند دانست. ایشان در ادامه راه حلی برای جبران ضعف سند روایات ارائه می‌دهند لکن به آن اشکال خواهند کرد. در ادامه مبحث روایت کافی که در ذیل تعبیر «**فاحشه مبیّنه**» وارد شده است، بررسی می‌شود.

**جمع بین روایات مفسره «فاحشه مبیّنه»**

در جلسه گذشته اقوال مفسرین در رابطه با فقره «**الا ان یأتین بفاحشة مبیّنة**» بیان شد. در ذیل این آیه دو دسته روایات بیان شد که یا به جهت ارسال و یا به جهت ضعف روات، اشکال سندی داشتند. مرسله محمد بن علی بن جعفر، مرسله کافی و مرسله من لا یحضره الفقیه[[1]](#footnote-1) از این روایات بودند. اگر این روایات از جهت سندی معتبر بودند، جمع عرفی بین روایات ممکن بود؛ به این بیان که بگوییم برخی از این روایات، از باب مثال بیان شده است و برخی دیگر، مانند روایتی که ایذاء اهل زوج را مطرح کرده، برای بیان اقلّ افراد است. این وجه جمع از زمان قدیم مطرح بوده است. قدیمی‌ترین کتابی که این وجه جمع را در آنجا دیدم، نهایه شیخ طوسی8 بود. عبارت شیخ8 چنین است:

**إذا طلّق الرّجل امرأته طلاقا یملک فیه رجعتها، فلا یجوز له أن یخرجها من بیته، و لا لها أن تخرج إلّا أن تأتی بفاحشة مبیّنة. و الفاحشة أن تفعل ما یجب فیه علیها الحدّ. فإذا فعلت ذلک، أخرجت، و أقیم علیها الحدّ. و قد روی أنّ أدنی ما یجوز له معه إخراجها: أن تؤذی أهل الرّجل. فإنّها متی فعلت ذلک، جاز له إخراجها.**[[2]](#footnote-2)

عبارت مهذب ابن برّاج چنین است:

**و قد روی ان أقل ما یجوز إخراجها معه ان تؤذی أهل زوجها، فان فعلت ذلک جاز إخراجها**[[3]](#footnote-3)**.**

مرحوم ابو الفتوح رازی در کتاب روض الجنان می‌گوید: «و در اخبار ما آمده است که: از جمله فاحشه و کمینه او آن بود که اهل مرد را به زبان برنجاند».[[4]](#footnote-4) به نظر می‌رسد ایشان این عبارت را از شیخ طوسی8 برگرفته‌اند. همچنین در کتابهای شرایع الاسلام جلد 3 صفحه 31 و تحریر جلد 4 صفحه 178 و قواعد جلد 3 صفحه 152 و ایضاح الفوائد جلد 3 صفحه 369 به این نکته اشاره شده است.

به نظر می‌رسد مرسله فقیه را به دو صورت می‌توان معنا کرد. مرسله فقیه به این بیان بود:

سُئِلَ الصَّادِقُ7 عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ اتَّقُوا اللّهَ رَبَّکُمْ لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُیُوتِهِنَّ وَ لا یَخْرُجْنَ إِلّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ قَالَ إِلَّا أَنْ تَزْنِیَ فَتُخْرَجَ وَ یُقَامَ عَلَیْهَا الْحَدُّ[[5]](#footnote-5)

1- عبارت «**فتخرج و یقام علیها الحدّ**» تفسیر کلمه «**مبیّنه**» است؛ یعنی در صورتی که با اجرای حدّ، فاحشه او (چه زنا باشد یا فعل محرّم دیگری باشد) آشکار شود، زن از خانه خارج می‌شود. طبق این بیان این روایت با سایر روایات قابل جمع است؛ زیرا نکته اصلی آشکار شدن فاحشه است و زنا مصداق روشن آیه محسوب می‌شود و با سایر مصداق‌ها (مانند اذیت کردن شوهر و اهل او) منافات ندارد.

2- مراد روایت همان بیانی است که شیخ طوسی8 در خلاف از ابن مسعود نقل فرموده‌اند. عبارت ایشان چنین است: «**قال ابن مسعود الفاحشه ان تزنی فتخرج و تحد ثم تردّ الی موضعها و به قال الحسن البصری**»[[6]](#footnote-6). یعنی زن در صورتی که مرتکب زنا شود، فقط برای اجرای حدّ از خانه خارج می‌شود و چنین نیست که حق سکنای او ساقط شود[[7]](#footnote-7). این معنا با معنای سایر روایات قابل جمع نیست چرا که عرفا متباین هستند.

لکن از آنجا که عبارت «**الا ان تزنی و فتخرج و یقام علیها الحدّ**» در نزد فقهای عامه مطرح بوده است، این روایت به همان معنای متعارفی که در نزد اهل سنت وجود دارد (معنای دوم)، انصراف پیدا می‌کند. از این رو جمع بین روایت مذکور و سایر روایات مشکل خواهد بود.

**جبران ضعف سند روایت**

ممکن است گفته شود، ضعف سند روایات مذکور با توجه به عمل مشهور جبران می‌شود. لکن به نظر می‌رسد جبران ضعف سند روایت با این بیان ممکن نیست؛ زیرا با غضّ نظر از کبرای مسئله (جبران

ضعف سند با عمل مشهور)، شرط تطبیق این کبری در مسئله این است که اثبات شود مستند عمل اصحاب، روایت مورد بحث است و آنها روایت را معتبر می‌دانسته‌اند. اما از عبارت خلاف استفاده می‌شود که ایشان، وجه جمع مذکور را طبق قاعده می‌داند. در این صورت این مطلب به دست نمی‌آید که آنها نسبت به روایت مذکور نکته خاصی را در نظر داشته‌اند تا بخواهند با توجه به آن نکته، ضعف سند را جبران نمایند. عبارت خلاف چنین است:

**الفاحشة التی تحل إخراج المطلقة من بیت زوجها ‌أن تشتم أهل الرجل و تؤذیهم و تبدو**[[8]](#footnote-8) **علیهم. و به قال ابن عباس. و إلیه ذهب الشافعی. و قال ابن مسعود: الفاحشة أن تزنی، فتخرج و تحد، ثم ترد إلی موضعها. و به قال الحسن البصر. دلیلنا: عموم الآیة و اجماع الفرقه و أیضا: فإن النبی صلی الله علیه و آله أخرج فاطمة بنت قیس لما بدت علی بیت احمائها و شتمتهم، فثبت أن الایة وردت فی هذا.**[[9]](#footnote-9)

به نظر ایشان آیه عمومیت دارد و شمول فاحشه نسبت به شتم و ایذاء و ... **علی القاعده** است. شیخ8 در اینجا اصلا به روایت تمسک نکرده است. اگر چه ایشان در کتاب تهذیب روایت را هم ذکر کرده اما تمسک اصلی ایشان به آیه است. ایشان در تهذیب می‌فرماید: «**قَالَ الشَّیْخُ** **رَحِمَهُ اللَّهُ** (مراد ایشان از شیخ، شیخ مفید8 است) **وَ لَا یَجُوزُ لَهُ أَنْ یُخْرِجَهَا مِنْ بَیْتِهِ إِلَّا أَنْ تَأْتِیَ بِفَاحِشَةٍ‌**» ایشان در توضیح کلام شیخ مفید ره می‌فرماید: «**یَدُلُّ عَلَی ذَلِکَ قَوْلُهُ تَعَالَی لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُیُوتِهِنَّ وَ لا یَخْرُجْنَ إِلّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ وَ هَذَا تَصْرِیحٌ بِمَا قُلْنَاهُ‌**»[[10]](#footnote-10). ایشان در ادامه دو روایت مرسله کافی که بحث سوء خلق را مطرح کرده است را نقل می‌کند و ظاهرا در مقام بیان این نکته هستند که این روایات موافق عموم آیه است.

بنابراین از آنجا که ایشان این مطلب را علی القاعده می‌داند، چنین فتوا داده است و فتوای ایشان مستند به این روایت نیست. به همین دلیل با این بیان نمی‌توان ضعف سند روایت را جبران کرد.

تذکر به این نکته لازم است که شیخ8 استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را نه تنها جایز می‌داند بلکه ظاهر عبارت‌ها را به همین صورت معنا می‌کند. به همین دلیل در جایی که دو معنا وجود داشته باشد (حتی اگر آن دو معنا مختلف باشد)، ایشان هر دو معنا را صحیح می‌داند. ایشان در کتاب تبیان مکررا به این مبنا اشاره کرده‌اند. در بحث استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، چند بحث وجود دارد. بحث اول اینکه آیا استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد جایز است یا جایز نیست؟ به نظر ما همانطور که

جناب والد فرموده‌اند، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد ذاتا جایز است. بحث دیگر این است که اگر استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد جایز باشد، آیا ظهور کلام، مطابق با استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد است یا چنین ظهوری وجود ندارد؟ شیخ طوسی8 در کتاب تبیان، در موارد متعددی ظهور آیات را بر همه معانی منطبق می‌داند. لکن جناب والد می‌فرمایند: نه تنها چنین ظهوری وجود ندارد، بلکه تنها در یکی از معانی ظهور دارد؛ زیرا استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، عرفی نیست. بلی استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، در شعر و معماگویی اشکالی ندارد.

**بررسی روایت کافی**

حال که روایات از جهت سندی معتبر نیست، باید ظاهر بدوی آیه را بررسی کرد. همانطور که در جلسه سابق بیان شد، در دو آیه دیگر نیز تعبیر «**فاحشه مبیّنه**» استعمال شده است و بهتر است که این سه آیه با هم در نظر گرفته شود. همچنین در آیات بسیار دیگری تعبیر «**فاحشه**» (بدون قید مبیّنه) به کار رفته است که در این بحث می‌توان از آنها بهره برد.

از آیاتی که در آن لفظ «**فاحشه مبیّنه**» به کار رفته، آیه 30 سوره احزاب است[[11]](#footnote-11). در ذیل این آیه دو روایت وارد شده است. در روایات دیگری هم اگر چه صریحا این آیه ذکر نشده است، اما به نظر می‌رسد ناظر به آیه مذکور صادر گردیده‌اند. در ادامه یکی از این روایات را که از کتاب کافی نقل شده بیان می‌کنیم.

این روایت به سند موثقه در جلد 5 صفحه 350 و به سندی مرسل در جلد 2 صفحه 402 آمده است. متن این دو نقل تقریبا متحد است. ما در ادامه این روایت را از جلد 2 نقل می‌کنیم:

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ7 .... فَقَالَ لِی مَا تَرَی مِنَ الْخِیَانَةِ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- فَخانَتاهُما مَا یَعْنِی بِذَلِکَ إِلَّا الْفَاحِشَةَ ...

برخی با تمسک به این روایت، گفته‌‌اند: معنای «فاحشه» به معنای خاص آن در مورد عایشه وجود داشته است. لکن با دقت نظر بیشتر می‌یابیم که این روایت بر خلاف مدعی دلالت دارد. تعبیر «**فخانتاهما**» در آیه 9 سوره تحریم به این صورت وارد شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ‌

یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَکَ تَبْتَغِی مَرْضَاةَ أَزْوَاجِکَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ﴿1﴾

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَکُمْ تَحِلَّةَ أَیْمَانِکُمْ وَ اللَّهُ مَوْلاَکُمْ وَ هُوَ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ ﴿2﴾

وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِیُّ إِلَی بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِیثاً فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَیْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَکَ هذَا قَالَ نَبَّأَنِیَ الْعَلِیمُ الْخَبِیرُ ﴿3﴾

إِنْ تَتُوبَا إِلَی اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَیْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاَهُ وَ جِبْرِیلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِینَ ...

خداند در این آیه به فاش شدن سرّ پیامبر9 توسط دو تن از همسران او اشاره می‌فرماید. به تناسب این کار خلاف زنان پیامبر9 خداوند به دو زن خوب و دو زن بد اشاره می‌کند:

 ﴿﴾

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِلَّذِینَ کَفَرُوا امْرَأَةَ نُوحٍ وَ امْرَأَةَ لُوطٍ کَانَتَا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَیْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ یُغْنِیَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَیْئاً وَ قِیلَ ادْخُلاَ النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِینَ ﴿10﴾

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِلَّذِینَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ ﴿11﴾

وَ مَرْیَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِیهِ مِنْ رُوحِنَا...

همانطور که می‌بینیم تعبیر «**فخانتاهما**» در آیه 10 بیان شده است. برخی گفته‌اند: با توجه به این روایت، همانطور که در مورد همسر حضرت نوح7 و همسر حضرت لوط7 تعبیر «**فخانتاهما**» به کار رفته، این تعبیر در رابطه با عایشه نیز وجود دارد. لکن با دقت در این روایت می‌یابیم که فضای این روایت به نحو دیگری است و بر خلاف مدعی دلالت دارد. روایت چنین است:

فَمَا تَقُولُ فِی مُنَاکَحَةِ النَّاسِ[[12]](#footnote-12) فَإِنِّی قَدْ بَلَغْتُ مَا تَرَاهُ وَ مَا تَزَوَّجْتُ قَطُّ فَقَالَ وَ مَا یَمْنَعُکَ مِنْ ذَلِکَ فَقُلْتُ مَا یَمْنَعُنِی إِلَّا أَنَّنِی أَخْشَی أَنْ لَا تَحِلَّ لِی مُنَاکَحَتُهُمْ فَمَا تَأْمُرُنِی؟

همانطور که در ادامه روایت بیان می‌شود، بحث زراره در این روایت در مورد این مسئله است که آیا اهل سنت، مومن می‌باشند یا کافرند؟ و آیا بین مومن و کافر حدّ وسط وجود دارد یا نه؟ زراره در این روایت بر کفر آنها تاکید می‌کند و از این رو ازدواج با آنها را صحیح نمی‌داند. امام7 در جواب از زراره می‌فرماید: همسرانی که به حضرت نوح7 و حضرت لوط7 خیانت کردند، به آنها ایمان نداشتند. شاهد بر این گفتار این تعبیر قرآن است که می‌فرماید: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِلَّذِینَ کَفَرُوا﴾ که اشاره به کفر آنها دارد. لکن با این حال آنها همسران حضرت نوح7 و حضرت لوط7 بودند و ازدواج آنها صحیح بود؛ زیرا ایمانی که شرط صحت ازدواج است، ایمان ظاهری است و چنین نیست که در ازدواج، ایمان واقعی (که شرط نجات انسان و شرط قبولی اعمال است) لازم باشد. ادامه روایت چنین است:

فَقُلْتُ مَا یَمْنَعُنِی إِلَّا أَنَّنِی أَخْشَی أَنْ لَا تَحِلَّ لِی مُنَاکَحَتُهُمْ فَمَا تَأْمُرُنِی؟ فَقَالَ فَکَیْفَ تَصْنَعُ وَ أَنْتَ شَابٌّ أَ تَصْبِرُ قُلْتُ أَتَّخِذُ الْجَوَارِیَ قَالَ فَهَاتِ الْآنَ فَبِمَا تَسْتَحِلُّ الْجَوَارِیَ؟ قُلْتُ إِنَّ الْأَمَةَ لَیْسَتْ بِمَنْزِلَةِ الْحُرَّةِ إِنْ رَابَتْنِی بِشَیْ‌ءٍ بِعْتُهَا وَ اعْتَزَلْتُهَا. قَالَ فَحَدِّثْنِی بِمَا اسْتَحْلَلْتَهَا؟ (یعنی سوال این است که جواز شرعی ازدواج با جاریه سنی مذهب به چه دلیلی ثابت است در حالی که هر دو سنی هستند؟) قَالَ فَلَمْ یَکُنْ عِنْدِی جَوَابٌ فَقُلْتُ لَهُ فَمَا تَرَی أَتَزَوَّجُ؟ فَقَالَ مَا أُبَالِی أَنْ تَفْعَلَ. قُلْتُ أَ رَأَیْتَ قَوْلَکَ مَا أُبَالِی أَنْ تَفْعَلَ؟ فَإِنَّ ذَلِکَ عَلَی جِهَتَیْنِ تَقُولُ لَسْتُ أُبَالِی أَنْ تَأْثَمَ مِنْ غَیْرِ أَنْ آمُرَکَ فَمَا تَأْمُرُنِی أَفْعَلُ ذَلِکَ بِأَمْرِکَ فَقَالَ لِی قَدْ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَزَوَّجَ وَ قَدْ کَانَ مِنْ أَمْرِ امْرَأَةِ نُوحٍ وَ امْرَأَةِ لُوطٍ مَا قَدْ کَانَ إِنَّهُمَا قَدْ کانَتا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحَیْنِ. فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَیْسَ فِی ذَلِکَ بِمَنْزِلَتِی إِنَّمَا هِیَ تَحْتَ یَدِهِ وَ هِیَ مُقِرَّةٌ بِحُکْمِهِ مُقِرَّةٌ بِدِینِهِ. قَالَ فَقَالَ لِی مَا تَرَی مِنَ الْخِیَانَةِ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- فَخانَتاهُما مَا یَعْنِی بِذَلِکَ إِلَّا الْفَاحِشَةَ

یعنی آنها واقعا مقرّ به حکم پیغمبر و دینش نبوده‌اند؛ زیرا در غیر این صورت در مورد آنها «**فخانتاهما**» تطبیق داده نمی‌شد. از اینجا به دست می‌آید که آنها مرتکب گناهی شده‌اند که آن گناه به منزله کفر بوده است لکن کفر واقعی نه کفر ظاهری. از این رو آنچه در ازدواج ملاک است، ایمان ظاهری است نه ایمان واقعی. بنابراین ازدواج با اهل سنت که ایمان ظاهری دارند، صحیح است. حضرت در ادامه می‌فرماید: وَ قَدْ زَوَّجَ- رَسُولُ اللَّهِ9 فُلَاناً (یعنی عثمان). عثمان ایمان ظاهری داشت نه ایمان واقعی. به همین دلیل بود که پیامبر9 دختران خود را به تزویج او درآورد. این تزویج پیامبر9 نیز دلالت دارد که ایمان ظاهری می‌کند.

با توجه به آنچه گذشت روشن می‌شود که صدر و ذیل این روایت در رابطه با این موضوع است که عایشه و حفصه ایمان واقعی نداشتند و با این حال پیامبر9 با آنها ازدواج کرد، چرا که در ازدواج ایمان واقعی شرط نیست. در این بحث، امام7 دو شاهد بر کلام خود بیان می‌کنند: 1- عایشه و حفصه که ایمان ظاهری داشتند. 2- عثمان که ایمان ظاهری داشت.

بنابراین این روایت ارتباطی به فاحشه بودن همسر پیامبر9 ندارد، بلکه امام7 با ذکر کلمه «**فاحشه**» به آیه 30 سوره احزاب اشاره می‌نمایند. آن آیه چنین است: ﴿یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ یُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَیْن﴾ِ یعنی همسران پیامبر9 در ارتکاب گناه مثل افراد عادی نیستند. این گناه بزرگی که آنها دارند، می‌تواند ناظر به افشای سرّ پیامبر9 باشد. ادامه این بحث در جلسه آینده توضیح داده می‌شود.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. به نظر ما مرسلات صدوق8 حجت نیست حتی اگر با تعابیری چون «سئل الصادق ع» بیان شده باشد. در نرم افزار درایة النور در معرفی کتاب من لا یحضره الفقیه این بحث را ارائه دادهایم. [↑](#footnote-ref-1)
2. النهایة، شیخ طوسی، ج1، ص534. [↑](#footnote-ref-2)
3. المهذب (لابن البراج)، ج2، ص: 318 [↑](#footnote-ref-3)
4. روض الجنان و روح الجنان فى تفسيرالقرآن، ج‏5، ص: 296 [↑](#footnote-ref-4)
5. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص499. [↑](#footnote-ref-5)
6. الخلاف، شیخ طوسی، ج5، ص70. [↑](#footnote-ref-6)
7. برخی گفتهاند برای اثبات «زنا» در نزد حاکم شرع نیز زن باید از خانه خارج شود. لکن این کلام صحیح نیست زیرا حاکم میتواند برای اثبات قضیه به خانه او بیاید بر خلاف حدّ که باید در مرآی مومنین انجام گیرد. [↑](#footnote-ref-7)
8. به نظر میرسد کلمه صحیح «ان تبذوَ» است. [↑](#footnote-ref-8)
9. الخلاف، شیخ طوسی، ج5، ص70. [↑](#footnote-ref-9)
10. تهذيب الأحكام، ج8، ص: 130 [↑](#footnote-ref-10)
11. ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرا﴾ً [↑](#footnote-ref-11)
12. تعبیر ناس در لسان روایت به معنای اهل سنت است [↑](#footnote-ref-12)